

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۷۷

جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵، ۹ سپتامبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

* ورشکستگی "الگوهای اسلامی خانواده"

* فاجعه مرگ کودکان

* بخاطر نداشتن "هویت ایرانی"

* فاشیسم ضد عرب، وجه مشترک

حکومت اسلامی و اپوزیسیون راست

صفحه ۵

دوچرخه سواری زنان و مردان
جنبشی گسترده با کاراکترهای نوین!

نسان نودینیان

صفحه ۷

گزیده ای از اخبار و مسائل کارگری

نسان نودینیان

صفحه ۹

در گرامیداشت جانب‌اختگان

صفحه ۸

تمام سران جمهوری اسلامی از اصول

گرا تا دو خردادی و اصلاح طلب، به

جرم ۲۷ سال جنایت از جمله قتل عام

زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ باید

محاکمه شوند!



مرگ بر جمهوری اسلامی

کیفرخواست مردم ایران

علیه کشتار ۶۷ و جنایات جمهوری اسلامی

صفحه ۲

فراموش نمیکنیم، عدالت را اجرا میکنیم!

علی جوادی

صفحه ۳

پیشروی های زنان و نگرانی های خامنه ای درباره سند ۱۶ ماده ای سیاست‌های-کلی-خانواده

شیرین شمس

های ناشی از آن به زنان در ایران داشته‌اند. برای دستیابی به این هدف، یک نوع سازماندهی گسترده از جانب حکومت، همواره تلاش بر این کرده که زنان از سطح جامعه حذف و از عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی، علمی، هنری و فرهنگی به نقش های سنتی همسر، مادری و خانهداری زنان در بستری از فرهنگ مردسالاری رانده شوند.

یکی از ارکان اولیه و اصلی این

صفحه ۶

تصویب در این مجمع ابلاغ کرده و از سران حکومت خواسته است تا از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان، حمایت کنند.

با توجه به اینکه قانون در ایران با پشتوانه دین اسلام، زن را وسیله ای برای لذت جویی مرد، وسیله فرزند آوری و در خدمت خانواده تعریف میکند، دستگاههای حکومتی و اجرایی از همان ابتدای قدرت گرفتن حکومت اسلامی سعی در تحمیل این تعاریف و نقش

اخیرا خامنه ای با ابلاغ "سیاست‌های کلی خانواده" به مقامات حکومت، بر نقش "همسر، مادری و خانه‌داری زنان" به عنوان تنها "نقش و رسالتی" که وی برای زنان در نظر گرفته تاکید کرده و خواهان "نفی تجرد در جامعه" شده است.

وسایت رسمی خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی، روز شنبه ۱۳ شهریور، این سیاست را طبق یک سند ۱۶ ماده ای به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از

باید فراتر رفت!

درمورد حضور خانواده های کارگری

اصغر کریمی

مدیرانی است که به مأموریت های میلیونی خارج از کشور میروند و پاداش های میلیونی میگیرند! آیا خیر دارید که ما هم بچه داریم و نیاز به نان و پوشاک و ... داریم؟ همسرانمان صبح تا شب برایتان شیفتی کار می کنند ولی شرمنده بچه هایشان هستند، چگونه می خواهید در مقابل خدا جواب بچه ای را بدهید که مریض هست ولی پولی برای درمانش نیست! یا بچه ای که دلش یه تیکه گوشت می خواهد یا حتی بچه ای که در حسرت يك بستنی مونده، چه برسد

صفحه ۴

شرکت نفتی هویزه خانواده های کارگری دست به تجمع زدند و خواهان بازگرداندن فرزندانشان به سر کار شدند و در بناب همسران کارگران کارخانه شاهین فولاد در نامه ای به نپرداختن حقوق و اخراج همسران خوددست به اعتراض زدند. و اینها فقط مواردی است که اخبارش منعکس شده است. این خبرها نیز بخوبی گویای این است که حضور خانواده های کارگری در تجمعات به امری تثبیت شده تبدیل شده است.

در نامه اعتراضی همسران کارگران فولاد شاهین در بناب آمده است: «حرفمان با مسئولان و

کمی بیش از دو هفته قبل که مطلبی درمورد دو ویژگی پایدار و مهم جنبش کارگری، چهره دار شدن جنبش کارگری و حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی نوشتیم تا امروز، خانواده های کارگری در چندین اعتراض دیگر نیز شرکت کرده اند. تنها ظرف این مدت کوتاه یعنی از دوم شهریور تا کنون، همسران چندین مرکز کارگری از جمله بندر ماهشهر، سیمان دهران، شرکت نفتی منطقه هویزه، شهرداری لنگرود و فولاد شاهین بناب نیز به میدان آمدند و در کنار همسران شاغل یا اخراجی خود دست به تجمع زدند. درمورد

کیفرخواست مردم ایران علیه کشتار ۶۷ و جنایات جمهوری اسلامی

های زنجیره ای وزرات اطلاعات، از کهریزک و تجاوز سیستماتیک و کشتارهای ۸۸ تا اعدام گروهی "سلفی ها" در همین چند هفته پیش، همه و همه تنها ایستگاه هایی در مسیر حرکت يك ماشين واحد و عظیم جنایت و آدمکشی است. و این البته هنوز لیست همه جنایات نیست. جمهوری اسلامی جنایت بسیاری علیه بهائیان و معتقدین به مذاهب دیگر مرتکب شده است. بارها جنایات تکان دهنده ای علیه مهاجرین افغانستانی اعمال کرده است. جنایات عظیمی در جریان جنگ با عراق و بخصوص با کش دادن آن مرتکب شده است. هزاران دست و پا قطع کرده و شلاق و سنگسار علیه مردم به کار گرفته است. همجنسگرایان را به چوبه دار سپرده است. با کشتار وحشیانه دهها هزارانسان بی پناه به بهانه "مبارزه با مواد مخدر" و جرائم دیگر به ردیف اول اعدام سرانه در جهان مفتخر شده است. به این ترتیب بدون هیچ اغراقی جمهوری اسلامی رژیم صدهزار قتل و اعدام است. کشتار تابستان ۶۷ و یا اعدام های ۶۰ تا ۶۳ را باید خصلت نما و نماد این رژیم جنایت و خشونت و بیرحمی اسلامی و بعنوان لحظه تولد و ظهور اسلام سیاسی قلمداد کرد. محکوم کردن این اعدام ها و بازخواست آمران و عاملان آن نه فقط برای رهایی جامعه ایران بلکه جهت رهایی جهان از شر اسلام سیاسی يك ضرورت است.

اسامی و مشخصات همه قربانیان این جنایات، میزان حبس و شکنجه و محل دفن آنها و نحوه مرگ آنها باید معلوم شود. محل دقیق گورهای دسته جمعی که در تهران و سایر شهرها وجود دارد باید اعلام شود. تمامی آمران و دستور دهندگان، قضات و بازجویان و شکنجه گران و جلادان این جنایات باید معرفی شوند. تمام مقاماتی که از اخبار این جنایات اطلاع داشته و آنرا پنهان یا ناپدید کرده اند باید معلوم و معرفی شوند. مسئولیت و جرم هرکس باید در دادگاه های علنی و عادلانه تحت نظارت مستقیم مردم ایران و جهان معلوم شود. باید برج ها و موزه های یادبود قربانیان این جنایات برپا شود و جهان به احترام آنها بپاخیزد و در عوض نام کسانی چون خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و غیره در کنار امثال پینوشه و هیتلر رسماً ثبت شود. این تنها راه واقعی کنار آمدن واقعی و منصفانه و انسانی با زخم هایی است که جمهوری اسلامی بر پیکر جامعه ایران وارد آورده است. حزب کمونیست کارگری همراه با خانواده های جانبازان و داغداران این جنایات و همراه همه نهادها و افرادی که در این راه گام برداشته اند، به تلاش خود برای تحقق این کیفرخواست، بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و محاکمه همه دست اندرکاران این جنایات بیش از پیش خواهد افزود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۳۹۵، ۵ سپتامبر ۲۰۱۶

جنایات را تحریف کنند و یا برای آنها توجیهاتی نظیر مواجهه با این یا آن گروه مسلح، یا شرایط جنگی و غیره بتراشند. لذا جامعه ایران چه در پیشبرد مبارزه امروز علیه جمهوری اسلامی و کنار زدن نیروهای ارتجاعی از سر راه خود و چه برای سلامت آینده خود نیاز به اعلام کیفرخواستی روشن به منظور برخورد ریشه ای، قاطع، با منتهای عدالت و انسانیت نسبت با این جنایات دارد.

برچیدن و کنار زدن جمهوری اسلامی از سر راه جامعه ایران طبعاً شرط اصلی برای التیام زخم های ناشی از جنایات و نسل کشی های این رژیم است. نمی توان کلامی از برقراری عدالت واقعی در جامعه ایران گفت مگر آنکه کل بساط حکومت اسلامی از جمله قانون مجازات اعدام و حبس ابد و قوانین قصاص و مجازات اسلامی ملغی و کل سیستم قضایی قرون وسطایی و کل دستگاه های آدم کشی جمهوری اسلامی برچیده شود. بعلاوه لازم است همه جنایتکاران اعم از دستور دهندگان و توجیه کنندگان و یا مجریان قتل عام و شکنجه ها و حبس ها برکنار و تحویل دادگاه شوند. این جز با سرنگونی کل نظام اسلامی ممکن نیست. یکی از دلایل مهمی که "جمهوری اسلامی باید برود" دقیقاً همین آغشته بودن دستان همه جناح ها و گروهها و عناصر سازنده اش به این جنایات در مقاطع مختلف است. اما از سوی دیگر پیگیری سرنوشت قربانیان، بازخواست جانپان، گرامیداشت یاد جانبازان و برپایی دادگاه های مردمی و اعتراض های بین المللی و غیره که در این سالها بویژه از سوی خانواده های قربانیان این جنایت صورت گرفته، خود عرصه مهمی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و همینطور شروع روند التیام جامعه ایران در مقابله با عوارض ناشی از این جنایات است.

در این راه، قبل از هر چیز لازم است ابعاد و دامنه این جنایات معلوم شود. جمهوری اسلامی از همان روز نخست و برپا کردن دادگاه های چند دقیقه ای و جوخه های اعدام بر پشت بام "مدرسه رفاه" تا به امروز که انسانها را تحت عنوان "قاچاقچیان مواد مخدر" در ملاء عام بدار میکشد، مشغول کشتار بوده است. این قتل ها علیرغم تفاوت هایشان همه در نیت اصلی که در پس آنها وجود دارد، مشترک اند. همه اینها بخاطر ارباب جامعه و حفظ حکومت اسلام اما تحت بهانه ها و توجیهات گوناگون صورت گرفته و دارد صورت میگردد. از به گلوله بستن و ترور کارگران بیکار تا حمله به کردستان و بمباران سنندج در فروردین ۵۸، از کشتار رهبران مردم ترکمن صحرا و دادگاه های خلخال تا حمله به دانشگاه و کشتار و پاکسازی موسوم به "انقلاب فرهنگی" در سال ۵۹، از کشتار خونین ۳۰ خرداد و اعدام های ۶۰-۶۳ تا کشتار تابستان ۶۷، از ترور مخالفین سیاسی و چهره های اپوزیسیون در خارج کشور در اوضاع بعد از جنگ تا قتل

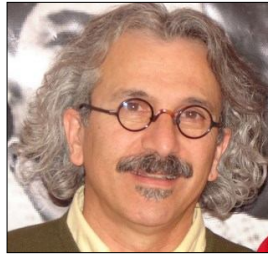
کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و دیگر نسل کشی های جمهوری اسلامی، جراحاتی عمیق بر قلب جامعه ایران بر جای گذاشته است. زخمهایی نظیر جنایات پینوشه در شیلی یا نسل کشی های نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، که از سیاست و حقوق به معنای محدود فراتر میروند و به یک فاجعه همگانی اجتماعی تبدیل میشود تا جایی که بدون التیام اینگونه جراحات جامعه نمی تواند قرار و آرام گیرد.

مساله فقط قتل هزاران و هزاران بهترین فرزندان مردم و یا کشتار و سر به نیست کردن و حبس و شکنجه تعداد بیشماري مخالف سياسي و عقیدتی نیست. مساله درهم شکستن حس عدالت، عزت نفس، احترام به انسان و آزادی در جامعه است. این قتل های دهشتناک، این گورهای دسته جمعی بی نام و نشان، این نمایشات تواب سازی و شکستن انسانها، این برپا کردن چوبه های دار در ملاء عام، این گذاردن داغ فرزند بر دل مادران و پدران بسیار و جنایاتی نظیر اینها، فقط برای سرکوب کمونیستها و دیگر سازمانهای سیاسی، یا منکوب کردن اقلیت های قومی و مذهبی، و یا حتی صرفاً علیه اعتراضات زنان و کارگران و دانشجویان نبوده است. بیش از این، جنایات فوق را جهت مرعوب کردن کل جامعه و تحقیر تک تک اعضای آن و تبدیل کردن فضای زیست اجتماعی به محیطی سیاه و خفقان زده، عاری از هرگونه امید به تغییر اوضاع، مرتکب گشته اند. از اینجاست که التیام این زخمها برای جامعه ایران به شرطی لازم برای بازتعریف و اثبات خود بعنوان جامعه ای انسانی، عادلانه، شاداب و با اعتماد به نفس تبدیل شده است. جامعه باید اطمینان خاطر یابد که چنین فجایعی تکرار نخواهد شد.

اما ضرورت تعیین تکلیف جامعه ایران با جنایات مدهشی که بر علیه آن صورت گرفته، موضوعی مربوط به آینده نیست. بلکه يك مساله حاد سیاسی جاری، محل مواجهه و جدال روزمره مردم با حکومت اسلامی، و همینطور محکی برای ارزیابی عملکرد و تعیین جایگاه امروز جنبش ها و احزاب سیاسی است. آنها که فلسفه وجودی شان "اصلاح" و بقای جمهوری اسلامی است و ابلهانه امید بسته بودند که این جنایات شامل مرور زمان و فراموش میشود، اکنون تحت فشار روزافزون آگاهی و توجه جامعه به این جنایات مجبور میشوند که اهمیت آنرا جدی بگیرند؛ اما از بخشش و آشتی ملی دم میزنند. یا میکوشند ابعاد این جنایت را محدود کنند و صرفاً یا عمدتاً به يك واقعه، مثلاً کشتار تابستان ۶۷، تقلیل دهند. یا تلاش میکنند تا بخش ها و عناصری از دست اندرکاران و بنیانگذاران جمهوری اسلامی را بخاطر آنکه در مقطعی از حلقه اصلی قدرت دور افتاده و یا بنا به "مصلحت نظام" از جنایات معینی فاصله گرفته اند را تظهير کنند. یا میکوشند دلائل بنیادی در پس این

فراموش نمیکنیم، عدالت را اجرا میکنیم!

علی جوادی



انتشار نوار گفتگوی منتظری با اعضای "هیأت مرگ" جمهوری اسلامی، در بیست و هشتمین سالگرد قتل عام ۶۷ به شکافهای درون رژیم ابعاد جدید و دامنه گسترده تری بخشیده است.

بخشی از هیأت حاکمه به دفاع از این هولوکاست اسلامی شان برخاسته و رسماً اعلام کردند که حتی "یک شب" هم خواب روی این قتل عام از دست نداده اند. جناحی که شمشیر خونین اسلام را از رو بسته است، بدون هیچ توهمی بر این باور است که بدون زندان و شکنجه و اعدام بیش از چند روز بر اریکه قدرت دوام نخواهند آورد. حقیقتی است، اعدام و کشتار یک رکن پایه ای حکومت اسلامی است.

اما در طرف دیگر نیروهای جناح اصلاح طلب حکومتی به دست و پا و تقلا افتاده و تلاش میکنند تا خاک بر این واقعه پاشیده، ابعاد آن را کوچک جلوه دهند و یا کودنانه به دنبال راه حلی برای فیصله دادن ویا از زیر ضرب خارج کردن کل دستگاه جنایت اسلامی اند. در این چهارچوب سخنان مصطفی تاج زاده خصلت نما است. میگوید:

"حاکمیت می تواند با عذرخواهی از ملت، حلالیت طلبی از بازماندگان و اصلاح ساز و کار قضائی میهن به گونه ای که تکرار چنین فجایعی را ناممکن کند، زخم ناشی از این اعدامها را التیام بخشد. من به سهم خود از خانواده های اعدام شدگان آن فاجعه از جمله بازماندگان قربانیانی که عضو مجاهدین خلق نبودند، پوزش می طلبم. و متواضعانه آنان را فرا می خوانم تا با تأسی به ماندلا "ببخشند اما فراموش نکنند" تا ایران و ایرانی از چرخه شوم نفرت و کینه و انتقام رها شوند. از رهبر هم می خواهم که پیش از آن که دیر شود پرچم دوستی و مهر و آشتی ملی برافرازد و با پایان دادن به حصرها، زندان ها، پناهندگی ها و

مهاجرت های سیاسی، تلخ کامی این روزها را به شیرینی هم زمستی مسالمت آمیز آحاد هم وطنان تبدیل کند تا قطار انقلاب در ریل اصلی خود که "همه با هم بودن" است، قرار گیرد."

ابعاد یک قتل عام

سازمانی و دامنه فعالیت تک تک این عزیزان و جانباختگان را در اختیار جامعه قرار دهند. و اگر خود کل این اطلاعات را در اختیار ندارند حتماً میتوانستند کسانی از دوستان و همکارانشان را در اختیار جامعه قرار دهند که گوشه های دیگری از این اطلاعات را در اختیار دارند. حتماً میتوانستند اسامی آمرین و عاملین این فاجعه را بر ملا کنند. و اگر چنین نمی کنند، در حقیقت دارند خاک بر چشم این فاجعه می پاشند و تلاش میکنند تا رژیم متبوعشان را از زیر ضرب اعتراض مردم خارج کنند! بعلاوه خود ایشان باید بالاخره روزی از نقش شان در این جنایت و کلا جنایتی که علیه مردم صورت گرفته است پرده برداری کنند. هیچ زخمی را بدون شناخت ابعاد آن نمیتوان "التیام" بخشید.

از طرف دیگر جامعه و بازماندگان قتل عام ۶۷ باید بدانند که جانباختگان این فاجعه چگونه به قتل رسیدند و چگونه و در چه مکانی به خاک سپرده شده اند. شناسایی خاوران ها و گورهای دسته جمعی در تمامی ایران گام دیگری در بررسی این فاجعه عظیم است.

گرگها "عذرخواهی" کنند؟

تاج زاده از حاکمیت میخواهد که با عذرخواهی و حلالیت طلبی و ایجاد تغییراتی در سیستم قضائی کمک کنند تا این زخم التیام بخشیده شود. در این رابطه به چند نکته باید اشاره کرد:

۱- خمینی کجاست؟ تاج زاده مزورانه نامی از خمینی، رهبر حکومت اسلامی، نمی برد. اما بر همگان روشن است که آمر اصلی این قتل عام تاریخی کسی جز "رهبر" آقای تاج زاده نبود. در حکم خمینی که در آن زمان صادر شد، آمده است:

"رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر

دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد."

و زمانی که از این رهبر جنایتکاران اسلامی پرسیده میشود که حکم آنهایی که محاکمه شده اند و دوران زندان شان به زودی پایان می پذیرد چیست؟ پاسخ میدهند: "بسمه تعالی در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در صورت رسیدگی به وضع پروندهها در هر صورت که حکم سریعتر اجرا کرده همان مورد نظر است"

و با این فرمان بود که چوبه های دار اسلامی را برپا کردند و هزاران انسان عزیز را به دار کشیدند. اما تاج زاده با مودی گری میکوشد خمینی را از مهلکه بدر برد. و چرا که نه؟ مگر نه اینکه کل پروژه این جماعت "بازگشت به دوران طلایی خمینی" است؟

۲- توبه گرگها؟ تاج زاده از "حاکمیت" فعلی میخواهد که از مردم "عذرخواهی" کنند. "حاکمیتی" که کماکان بر ضرورت و اهمیت این قتل عام در بقای حکومت اسلامی پافشاری میکند.

باور نکردنی است، تاج زاده که به تازگی از زندان باخاطر نقش اش در اعتراضات ۸۸ و یا به قول او باش اسلامی حاکم، "قتنه ۸۸"، آزاد شده است، از زندانبانان و جلاذانی که همچنان می کشند و به دار میکشند، همچنان تاکید میکنند که اگر تاریخ تکرار شود، باز اعدام خواهند کرد، میخواهد که از مردم عذر خواهی کنند. از ایشان باید پرسید، مگر کور و کر هستید، مگر نمی بینید و نمی شنوید، که این ناجیان نظامتان، شبانه روز تکرار میکنند که باز هم خواهند کشت. مگر نمی بینید که این امام زاده همچنان مصمم به کشتن است؟ واقعا هدف از این همه عوامفریبی چیست؟

۳- اصلاح ساز و کار قضائی؟ یکی از ارکان پلاتفرم جناح اصلاح طلب حکومتی اصلاح قوه قضائیه حاکمیت اسلامی است. اما هدف از این اصلاح چیست؟ انتقاد این جناب به کدام عملکرد قوه قضائیه حکومت اسلامی است؟ واقعیت این است که قوه قضائیه حکومت اسلامی بخش تفکیک ناپذیری از پیکره کل نظام کثیف اسلامی حاکم است. این بخش از حکومت اسلامی در کنار دستگاه زندانها، ابزار اصلی سرکوب و خفقان و اعدام و کشتار در جامعه است. قوه قضائیه یک ابزار اصلی تحمیل و حقه کردن قوانین و سنت کثیف اسلامی در جامعه است. این قوه بخشی از نیروی سرکوب حاکم است. در زمان خمینی همین بود. اکنون همین است و تا روز شیرین سرنوشتی حکومت اسلامی چنین خواهد بود. این کل جوهر تلاششان در این زمینه است. هدف این جماعت اسلام زدایی از دستگاه قضائی نیست. هدف این جماعت برچین دادگاهها و قضاات اسلامی نیست. هدف این جماعت انتخاباتی کردن کلیه قضاات نیست. آنچه در پلاتفرم اصلاح طلبان حکومتی در مورد قوق قضائیه مد نظر است، بازگشت به دوران "طلایی خمینی" است. این جماعت به دنبال این اند

که به جای صادق لاریجانی، کسی مانند موسوی اردبیلی قرار گیرد.

"ببخشند اما فراموش نکنند"

استخوانهای ماندلا حتماً باید در خاک به لرزه در آید زمانی که بشنود امثال تاج زاده، کسانی که خود نقشی کلیدی در کنار امثال خامنه ای و رفسنجانی و موسوی و لاجوردی و خاتمی و مصباح یزدی در جنایات جمهوری اسلامی داشتند، خواهان این هستند که مردم جنایات این اوباش اسلامی را ببخشند، اگر چه الزاماً مجبور نیستند که فراموش کنند. این اوباش اسلامی حتی ذره ای هم احترام برای ماندلا قائل نیستند، هر کس و هر اقدامی که بتواند ذره ای به این جریان برای بقا، کمک کند به آن متوسل میشوند، حال با هر تحریف و هر عوامفریبی ای که باشد. اینها مندلاهای ایران

باید فراتر رفت! در مورد حضور خانواده های کارگری



به اینکه این تابستان همگی در منزل ماندند و نتوانستند در ورزش دلخواهشان که آرزویشان است، ثبت نام کنند. گناه پسر يك و نیم ساله ی من چیه که باید انواع غذاهای مفید بخوره ولی جز شیر مادر چیزی برای خوردن ندارد. واقعا بچه های خودتان بود باز کاری نمی کردید؟ می دانیم که قرار است از شهریور باز چند صد نفر را اخراج کنید، تا کی باید این اضطراب را بکشیم و بی پولی را تحمل کنیم؟»

در مطلب قبل نوشته بودم که این ویژگی علیرغم ابتدایی بودن و حضور کم و بیش حاشیه ای همسران کارگران شاغل در تجمعات، دستاوردی تشبیت شده است و بطور تصاعدی رشد میکند و ابتکارات تازه ای شکل میگیرد.

حاکم در پس ضربات اعتراضی مردم عقب نشست، تسلیم شد و تن به برچیدن بساط ننگین نژادپرستی داد. در اینجا این اوباش همچنان اعدام میکنند. تفاوتها بسیار است.

از طرف دیگر مستقل از هر ارزیابی ای که از این پروژه داشته باشیم، در آفریقای جنوبی مساله این بود که هر متهمی تنها در شرایطی شامل طرح بخشش میشد که تمام حقیقت و نقش اش را در قتل و کشتار بیان میکرد، تمام حقیقت، و نه بخشی از آن را. بعلاوه در صورت روشن شدن این مساله که متهمان از بیباز تمام حقیقت اجتناب کرده اند، نه تنها طرح بخشش شامل شان نمیشد، بلکه سریعاً محاکمه و مجازات میشدند. امثال تاج زاده ها بخاطر ۲۸ سال پنهان کاری و تلاش برای لاپوشانی کردن جنایات رژیم اسلامی مسلماً در زمره کسانی قرار می گرفتند که باید مجازات میشدند. از طرف دیگر ابعاد جنایت و کشتاری که حکومت اسلامی با مردم در ایران کرده است با آنچه در آفریقای جنوبی گذشت

خانواده های کارگری و مشخصاً همسران کارگران شاغل باید حق خود بدانند که وارد کارخانه شوند و در تجمع کارگران و مجمع عمومی شرکت کنند، اظهار نظر کنند، و نقش فعالی در تداوم و گسترش مبارزات ایفا کنند...

کارگران شاغل باید حق خود بدانند که وارد کارخانه شوند و در تجمع کارگران و مجمع عمومی شرکت کنند، اظهار نظر کنند، و نقش فعالی در تداوم و گسترش مبارزات ایفا کنند. باید دست به کار شوند و برای شکل دادن به شبکه های اعتراضی و تشکل های توده ای نیز پیشقدم شوند. در این صورت است که چهره جنبش کارگری به تمام معنی عوض میشود و کارگر موقعیت متفاوتی در جامعه پیدا میکند.

نکته دوم. نامه همسران کارگران فولاد شاهین بخوبی نشان میدهد که با آمدن خانواده های کارگری زمینه طرح مطالبات

اجتماعی بیشتر فراهم میشود. اما مساله بنظر من بسیار فراتر از اینها است. فضای جامعه حال و هوای دیگری دارد. از فراخوان به کتابخوانی تا دوچرخه سواری زنان، از تلاش زنان برای حضور در تیم های ورزشی و استادیوم ها تا دیوارهای مهربانی، از تلاش وسیع در زمینه موسیقی و حضور مردم در کنسرت ها تا تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی، از کیفرخواست مادران علیه اعدام عزیزانشان تا مذهب گریزی میلیونی، از استقبال جامعه از افشای حقوق های نجومی و فساد در سراپای حکومت تا اعتراض زندانیان علیه اعدام و انواع و اقسام بیانیه ها و نامه ها و

حرکات جمعی بخش های مختلف جامعه يك پیام سیاسی و يك محتوای سیاسی مهم دارد. مردم این وضعیت، این شرایط، این حکومت و این نظام را نمیخواهند. حضور خانواده های کارگری در تجمعات را نیز باید در این چهارچوب ارزیابی کرد. همینکه در ابعاد توده ای تجمعات خانواده ها شکل میگیرد، طرح خواست هایی بمراتب بزرگتر و اجتماعی تر که بنیادهای حکومت را نشانه میگیرد به کاراکتر اصلی این حرکات تبدیل میشود. حضور خانواده های کارگری را باید در این متن ارزیابی کرد.*

"تا ایران و ایرانی از چرخه شوم نفرت و کینه و انتقام رها شوند"

يك بخش از شارلاتان بازی امثال تاج زاده در این است که میکوشند مساله عدالت اجتماعی در پس این قتل عام تاریخی را به تداوم "چرخه شوم نفرت و کینه و انتقام" پیوند دهند. شرم احساسی انسانی است. اما امثال تاج زاده بویی از این حس انسانی نبرده اند. عملاً ادعا میکنند که برای رهایی از خشونت و "نفرت کینه و انتقام" باید بخشید، اما فراموش نکرد. جالب است، کسانی که خود زمانی از زمامداران این حکومت کثیف اسلامی بوده اند، اکنون مدعی اند که تحقق عدالت یعنی تداوم "خشونت". جالب است، کسانی که فلسفه قضاوتشان بر مبنای "قصاص" و "انتقام" استوار است، ما آزادخواهان و کلا عدالتخواهی را متهم به خشونت طلبی میکنند. این هم گوشه ای از شارلاتانیسم این جماعت اسلامی است.

واقعیت این است که رهایی از خشونت و انتقام در ایران در درجه اول مستلزم سرنگونی انقلابی

حکومت اسلامی و محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت علیه مردم ایران است. رهایی از "چرخه شوم نفرت" مستلزم کوتاه کردن دست مذهب و اوباش اسلامی از زندگی و شئونات جامعه است. رهایی از "چرخه انتقام" مستلزم نابودی سیستم قضایی حکومت اسلامی و جایگزینی آن با سیستمی است که اصلاح و مصون داشتن جامعه از هر گونه تعرض و دست اندازی شرط اصلی آن باشد. رهایی از "چرخه کینه و انتقام" مستلزم استقرار نظامی است که متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان باشد. نظامی که در آن حرمت تك تك آحاد جامعه محترم شمرده میشود. جامعه ای که آزادی بی قید و شرط است. و برابری حقوقی و اجتماعی است. و هر کس به اعتبار انسان بودن از تمامی مواهب موجود در جامعه که حاصل تلاش همگان است، به میزان نیازش بهره مند میشود. تحقق چنین نظامی در گرو سرنگونی رژیم اسلامی و محاکمه تمامی سران آن است. آن روز دور نیست!*

قابل مقایسه نیست.

در اینجا چند کلمه ای نیز باید زاده و امثالهم گفت. ما خواهان محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران هستیم. این آدمکشان باید در دادگاههای صالحه با حضور هیات منصفه، با وجود وکلای مدافع و دادستان محاکمه شوند. تمامی شاکیان و بازماندگان قربانیان جنایت چند دهه حاکمیت اسامی باید فرصت داشته باشند در این دادگاهها حضور یافته و شهادت دهند. دنیا باید بداند که این اوباش اسلامی با مردم در ایران چه کرده اند. ما خود مدعی و شاکی هستیم. ما اعدام نداریم. ما حبس ابد نداریم. ما شکنجه نداریم. اما برای عدالت بر حسب نقش این اوباش در جنایات حکومت اسلامی تاکید داریم. محاکمه علنی و مجازات عادلانه کلیه آمرین و عاملین جنایت اسلامی خواست عمومی جامعه است. این گوشه ای از عدالت اجتماعی است. ذره ای کوتاه آمدن در این خواست پایه ای و عدالتخواهانه جامعه مجاز نیست.

نیستند، اینها از جنس دی کلارک ها و یان اسمیت ها و سایر نژاد پرستان به نام آن منطقه اند. اینها کسانی هستند که سیستم آپارتاید جنسی را در جامعه برقرار کردند. اینها کسانی هستند که سپاه و کمیته های اوباش اسلامی را راه اندازی کردند. در آفریقای جنوبی این دی کلارک ها نبودند که طراح پروژه بخشش در قبال حقیقت بودند. بر عکس این مندلاهای آن جامعه بودند که چنین پروژه ای را مطرح کردند و تازه نه آن طور که تاج زاده ها ادعا میکنند. در آفریقای جنوبی امثال تاج زاده در صندلی اتهام قرار داشتند. دیدنی است، عده ای هنوز دارند جنایت میکنند و به این شغل اسلامی شان افتخار میکنند، اما در کنارشان پسر عموهایشان خواهان بخشش این اوباش و همکاران خودی شان هستند. این جماعت هنوز شلاق و طناب اعدام در دستشان است و در همان حال عده ای خواهان "بخشش شان" اند. دنیای عجیبی است! در آفریقای جنوبی سیستم نژاد پرست

فاجعه مرگ کودکان بخاطر نداشتن "هویت ایرانی"

نداشتن تابعیت و "هویت ایرانی" شرایط مشقت بار زندگی را برای افغانستانی های مقیم ایران و کلا کسانی که بهر دلیلی تابعیت ایران را ندارند بمراتب سخت تر میکند. در تحمیل این فقر و بی حقوقی پدیده وطن و تابعیت و هویت ملی نقش کلیدی ایفا میکند.

فرانسوا میتران نخستین رئیس جمهور فرانسه از حزب سوسیالیست میگفت وطن هر کس همانجاست که کار میکند. اما مساله اینست که نفس مفهوم و پدیده وطن با سودآوری سرمایه داری تنیده شده است. در نظام سرمایه داری در همه کشورها مهاجرینی که تابعیت ندارند سخت ترین کارها با کمترین دستمزدها را انجام میدهند و از بسیاری از حقوق شهروندی نیز محرومند. جمهوری اسلامی این "هنر" را به نهایت خود رسانده است. در ایران میلیونها مهاجر افغانستانی و همه کسانی که به هر دلیلی شناسنامه ایرانی ندارند به سخت ترین کارها مشغولند و از ابتدائی ترین حقوق شهروندی محروم هستند. سود حاصل از استثمار این "غیر ایرانی" ها نصیب یک در صد مفتخور حاکم، آیت الله های میلیاردر و باندهای مافیائی حاکم میشود. وطن و تابعیت و هویت ایرانی با جیب گشاد این مفتخوران رابطه مستقیمی دارد. سه کودکی که بخاطر نداشتن شناسنامه ایرانی والدینشان جان خود را از دست داده اند، در کنار میلیونها کودکی که از ابتدائی ترین ملزومات یک زندگی شاد و انسانی و خلاق محروم هستند، قربانیان حاکمیت سرمایه و سلطه ارزشهای پوسیده مذهبی و ناسیونالیستی برجامعه اند. با سرنگونی جمهوری اسلامی نه تنها اسلام و مذهب بلکه ایرانیت و ناسیونالیسم نیز نباید کمترین نقش و جایگاهی در سیاستها و قوانین و فرهنگ و ارزشهای حاکم بر جامعه داشته باشد. *

"به دلیل فقر در سایه نداشتن شناسنامه و عدم استفاده از خدمات بیمه درمانی سه کودک خردسال يك خانواده در سیستان و بلوچستان جان خود را از دست دادند"

خبرگزاری هرانا

این خبر تکانهنده تنها نمونه ای است از فجایعی که فقر و ناسیونالیسم نژاد پرستانه در جامعه ایران می آفریند. بموجب همین گزارش بخشی از ساکنین استان سیستان و بلوچستان تبعه ایران نیستند و بخاطر نداشتن هویت ایرانی از همان حداقل حقوق شهروندی سایرین نظیر بیمه درمانی و حق تحصیل و غیره محروم هستند. علت عدم تابعیت این افراد که ده ها سال است در ایران زندگی میکنند کوتاهی پدرانشان در تهیه شناسنامه ذکر شده است. یکی از این افراد که بمدت بیست سال بدنبال تهیه شناسنامه برای خود و خانواده اش بوده است میگوید:

"سالهاست که به دنبال اثبات ایرانی بودن خود بوده ام که در این بین کارشکنی های گسترده ای از سوی مسئولین نصیب من شده است؛ نبود شناسنامه امروزه گریبانگیر فرزندان من نیز شده است و آنها را از تحصیل و سایر خدمات جمهوری اسلامی ایران باز داشته است."

مساله به نداشتن شناسنامه و یا کوتاهی در تهیه شناسنامه محدود نیست. میلیونها مهاجر افغانستانی نیز به دلیل عدم تابعیت در همین شرایط مشقت بار به سر میبرند. البته فقر و محرومیت تنها مختص به افراد غیر تبعه نیست. بخش اعظم مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند و مساله فلاکت در ایران چنان ابعادی یافته است که حتی خود مقامات رژیم اعتراف میکنند که ۳۰ درصد مردم ایران نان خوردن ندارند. اما

یادداشت های هفته

حمید تقوایی

ورشکستگی "الگوهای اسلامی خانواده"

کلیه قوانین اسلامی که زن را به ابزار لذتجویی مرد و ماشین تولید فرزند تنزل میدهد و جایگاه و نقشی فراتر از بچه داری و خانه داری برای او قائل نیست، گسترش رابطه آزاد دختران و پسران و رواج ازدواج سفید در جامعه، همه نشانه های بارز و غیر قابل انکار تن ندادن جامعه به سیاستها و ارزشها و سیاستهای پوسیده و ضد زن حکومت است. نه تنها خانواده اسلامی بلکه کل نظام ضد زن حاکم در حال فروپاشیدن است.

جمهوری اسلامی علیرغم همه قوانین و سیاستها و تلاشهای زن ستیزانه اش نتوانسته است طوق بردگی را بر زنان تحمیل کند. فرمان ۱۶ ماده ای خامنه ای پیش از هرچیز حاصل و نماد شکست جمهوری اسلامی در برابر جنبش قدرتمند رهایی زن در ایران است. *

خانواده یعنی ممنوعیت ازدواج بدون رضایت پدر و یا قیم مرد، محروم بودن زنان از حق طلاق، قانونی بودن تعدد زوجات، اجبار زن به تمکین جنسی به شوهر، محرومیت از حق سفر و شرکت در فعالیت های اجتماعی بدون اجازه شوهر، و کلا سلطه و قیمومیت مرد بر زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان. بخش اعظم زنان ایران به این شرایط برده وار تن نمیدهند و اصلی ترین علت افزایش طلاق همین واقعیت است.

اما اعتراض و عدم تمکین به این قوانین ضد زن تنها در افزایش طلاقها خود را نشان نمیدهد. مقاومت و اعتراض پیگیر زنان آزاده علیه حجاب اسلامی، علیه آپارتاید جنسی، برای شرکت در استادیومها و فعالیتهای ورزشی از جمله برای تحمیل حق دوچرخه سواری به متحجرین حاکم، و علیه

اخیرا سایت رسمی خامنه ای فرمان ۱۶ ماده ای او با عنوان "سیاستهای کلی خانواده" را منتشر کرده است. اعلام شده است که محور این سیاستها "ایجاد جامعه خانواده محور بر پایه الگوهای اسلامی و جلوگیری از فروپاشی خانواده ها" است. تشویق به فرزندآوری و تاکید بر نقش مادری و خانه داری زنان از ارکان این سیاست است.

اما علیرغم این تاکیدات خامنه ای و دیگر تلاشهای زن ستیزانه نظام متبوعوش فروپاشی خانواده ها در ایران به سرعت در حال گسترش است. بموجب آمار رسمی میزان طلاقهای ثبت شده در طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است. علت این افزایش چیزی بجز تحمیل "الگوهای اسلامی خانواده" به جامعه نیست. جامعه این الگوها را نمیپذیرد و به آن تن نمیدهد. الگوی اسلامی

فاشیسم ضد عرب،

وجه مشترک حکومت اسلامی و اپوزیسیون راست

اسلامی این امر يك پدیده دولتی و جزئی از تبلیغات رسمی حکومت است. نژاد پرستی و بیگانه ستیزی يك خصیصه جمهوری اسلامی است. این حکومتی است که فاشیسم مذهبی را با راسیسم ایرانی تکمیل کرده است و از تفرقه و نفرت پراکنی قومی و ملی و مذهبی در خدمت تحکیم پایه های حکومت لرزانش سود میبرد.

بنا به تعریف تبعیض و تفرقه افکنی مذهبی يك جزء هویتی جمهوری اسلامی است. اما از همان ابتدا، با شروع جنگ ایران و عراق، حکومت اسلامی برای حفظ سلطه جهانی اش ناسیونالیسم ایرانی را نیز بخدمت گرفته است و بخصوص با بی آبرو شدن هر چه بیشتر مذهب، ناسیونالیسم و ایرانیت نقش بیشتری در سیاستها و تبلیغات حکومت پیدا کرده است.

به گزارش سایتهای خبری و روزنامه های ایران در مسابقه فوتبال بین تیم های ملی ایران و قطر که روز پنجشنبه ۱۱ شهریور برگزار شد تعدادی از تماشاگران "دشنام ها و شعارهای زشت و غیر اخلاقی علیه عرب ها سر دادند."

توهین به عربها در استادیوم فوتبال را باید در کنار توهین و نفرت پراکنی های مستمر رسانه ها و سایتهای امام جمعه ها و مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی علیه مردم آذربایجان و کردستان و بلوچستان و علیه بهائیان و سنی ها و درویش و یهودیان قرار داد تا واقعیت آنچه در ایران میگذرد آشکار شود.

در همه جوامع کم و بیش تعصبات ملی - نژادی در مسابقات ورزشی بخصوص در رقابت میان تیمهای ملی کشورها عود میکند، اما در جمهوری

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

پیشرویهای زنان و نگرانیهای خامنه ای

درباره سند ۱۶ ماده ای
سیاست‌های - کلی - خانواده



ابتدا با شکست مواجه شد و همچنان با شکست مواجه و به عقب رانده می‌شود.

زنان در ایران از همان ابتدای شروع سرکوبها، مقابل قوانین و سیاست‌های زن ستیز حاکمیت واکنش منفی نشان دادند؛ شکست حکومت اسلامی در زمینه تحمیل پوشش اسلامی یکی از نمونه‌های بارز این شکست است. شکست تفکیک جنسیتی در اماکن عمومی بخصوص مبارزات دانشجویان در دانشگاهها نمونه دیگری است. تلاش برای روابط آزاد و پشت کردن به قوانین سنتی و دینی، تمایل شدید به استقلال و افزایش تجرد در بین زنان در سالهای اخیر و نیز ظهور پدیده "ازدواج سفید" یکی دیگر از این نمونه‌ها است که میتواند به شدت ارکان يك "نظام اسلامی و خانواده محور" را به لرزه درآورد. همچنین شکسته شدن تابوی طلاق و تبدیل شدن آن به يك امر طبیعی و اجتماعی این نقش را بازی میکند. تلاش و پیشروی زنان در عرصه‌های هنری و فرهنگی، خوانندگی و نوازندگی، نمونه دیگری از شکست حاکمیت در عرصه محدود کردن زنان است. پافشاری زنان برای حق ورود به استادیوم‌های ورزشی تحت عنوان سهم خواهی از اماکن عمومی جامعه از دیگر نمونه‌هایی است که

سازماندهی، قانون حجاب اجباری است. تحمیل حجاب اجباری و ایجاد دستگاههای سرکوبی چون گشت‌های مختلف حزب الله‌ها همچون گشت ثارالله در دهه شصت تا گشت ارشاد تا حال حاضر، که در صورت عدم رعایت پوشش اسلامی به سرکوب و خشونت علیه زنان پرداخته، اولین گام تحقیر و کنترل زنان و فرستادن آنها از خیابانها به پستوی خانه‌ها بوده است. سپس وضع و اجرای قوانینی بر پایه دین اسلام و فرهنگ مردسالاری علیه زنان و جامعه، همچون تفکیک جنسیتی در اماکن عمومی و ممنوعیت روابط آزاد، سپردن تمامی حقوق خانواده به مردان تحت عنوان سرپرست خانواده اعم از حق طلاق و حق حضانت فرزند، وضع قانون چند همسری و صیغه، و اعمال مجازات قانونی برای زنان اعم از مجازات برای عدم رعایت پوشش اسلامی، تمکین به شوهر و جنایتی چون سنگسار.

همه این سازماندهی‌ها که جز خشونت و جنایت بر زنان، پایمال کردن حقوق انسانی زنان و رقم زدن بدترین شرایط تاریخی برای میلیونها زن در ایران نبوده است، در راستای تبدیل کردن جامعه ایران به يك جامعه اسلامی و ارائه يك الگوی اسلامی به جامعه جهانی بوده است. اما این هدف از همان

آزادی زن و حقوق برابر برای زنان با ارکان و کلیت جمهوری اسلامی متناقض است. مطالبات زنان و پافشاری بر آنهاست که قوانین اسلامی و زن ستیز را به چالش می‌کشد، و پیشروی زنان باعث تضعیف هر چه بیشتر ارکان حکومت اسلامی در عرصه کنترل و محدود کردن زنان و سرکوب کلیت جامعه می‌شود.

و به نقش‌های سنتی و موقعیت فرودست زنان تاکید میکند، ولی تاکید مودک وی در موقعیت کنونی و بحران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که جمهوری اسلامی در آن گرفتار است، حاکی از پیشروی تاثیر گذار جنبش نوین رهایی زنان با رویکردی انقلابی در حوزه زنان است که بی شک این پیشروی باعث تقویت جنبش‌های مبارزاتی علیه شرایط موجود، در عرصه‌های دیگر اجتماعی اعم از جنبش‌های کارگری، دانشجویان، خلاصی فرهنگی جوانان، جنبش علیه مذهب و نیز جنبش‌های زیست محیطی و به تبع آن تضعیف هر چه بیشتر حاکمیت خواهد بود.

صد البته لازم‌ه پیشروی هر چه بیشتر جنبش و مبارزات زنان، دخالتگری هر چه بیشتر و مستمر فعالین و متشکل شدن حول محورهای مختلف مطالباتی در این عرصه، و نیز در گام‌های جلوتر، سازماندهی برای حرکت‌های اجتماعی و علنی در اعتراض به شرایط موجود، با توجه به امکانات محل و شهر با هدف برپایی حرکت‌های سراسری در شهرهای ایران است.

۱۶ شهریور ۱۳۹۵، ۶ سپتامبر ۲۰۱۶

زنانی که میخواهند هویتشان با استقلال شخصی، آزادی و حقوق برابر تعریف شود نه با همسری و مادری و خانه‌داری. زنانی که میخواهند به عنوان يك انسان، تعریف و برسمیت شناخته شوند نه نوعی از دستگاه تولید مثل و فرزند آوری. زنانی که میخواهند ارزش و کرامت انسانی داشته باشند و در حد موقعیت زن در اسلام و نزد قوانین اسلامی تحقیر نشوند و تنزل داده نشوند.

آزادی زن و حقوق برابر برای زنان با ارکان و کلیت جمهوری اسلامی متناقض است. مطالبات زنان و پافشاری بر آنهاست که قوانین اسلامی و زن ستیز را به چالش می‌کشد، و پیشروی زنان باعث تضعیف هر چه بیشتر ارکان حکومت اسلامی در عرصه کنترل و محدود کردن زنان و سرکوب کلیت جامعه می‌شود. هر چه ارکان این حکومت ضعیف تر شود، کلیت حکومت ضعیف تر می‌شود. و این نگرانی برای خامنه ای به عنوان رهبر يك حکومت اسلامی واقعی و مهم است. این اولین بار نیست که خامنه ای برابری زن و مرد و حضور زن در جامعه را امری غلط تلقی میکند

برای نظام اسلامی در سالهای اخیر به يك دغدغه جدی تبدیل شده است. حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی اعم از زیست محیطی که حتی در برخی شهرهای ایران همچون میروان به يك حرکت اجتماعی توسط زنان و مردان در دفاع از دوچرخه سواری زنان نه تنها در سه شنبه‌های بدون خودرو، بلکه همه جا و همه وقت، به عنوان يك مطالبه سراسری تبدیل شده، باعث نگرانی حاکمیت میشود. موفقیت جهانی زنان در عرصه ورزشی که نمونه اخیر آن کیمیا علیزاده بود، باز هم نمونه دیگری از تلاش میلیونها زن در ایران است که نمیخواهند به پستوی خانه رانده شوند، نمونه میلیونها زن در ایران است که دیوار کلیت قوانین و سیاست‌های حکومتی مبنی بر زن در قالب قوانین مذهبی و سنتی را می‌شکنند و يك انقلاب در عرصه زنان در ایران را پیش می‌برند و مهر زن آزاد بر پیشانی زن در ایران می‌زنند.

همه نگرانی خامنه ای از اینگونه پیشروی‌های زنان و تاثیر آن بر تقویت جنبش آزادخواهانه و برابری طلبانه زنان در ایران است.

کارگران کشت و صنعت در سطح سراسری شد.

کارگزاران کشت و صنعت مه‌باد ۱۷ شهریور و بعد از حدود پایان اعتصابشان اعلام کرده‌اند، مدیریت شرکت هنوز ۱۴ ماه از حقوق‌های معوقه را پرداخت نکرده و سفره‌هایشان خالی است.

و خبری تکانهنده از زاهدان:

هفته گذشته خبر تکان دهنده مرگ ۲۸ مادر باردار در بم دشت زاهدان

گزیده ای از اخبار و مسائل کارگری

باقی مانده است.

تجمع ۴ روزه اعتصاب کارگران کشت و صنعت مه‌باد؛ در مرداد ماه انجام شد. کارگران با عقب نشینی مدیریت شرکت اعتصابشان پایان دادند. عقب نشینی مدیریت تاکتیکی بود برای جلوگیری از ادامه اعتصاب. اعتصاب کارگران

علیه مردم در ایران است. در حالی که سالانه میلیاردها دلار توسط جمهوری اسلامی فقط صرف حفظ حکومت جنایتکار اسد و نیروهای تروریستی در عراق و لبنان و غیره میشود، چرا باید گذاشت مادران ما بر اثر نبود دارو و خدمات پزشکی جانشان را از دست بدهند! جمهوری اسلامی مسئول و بانی مرگ ۲۸ مادر باردار در بم دشت زاهدان است. مرگ این ۲۸ مادر را نیز باید بعنوان گوشه‌ای از جنایات روزمره حکومت اسلامی علیه مردم ثبت کرد. *

از جنایت در حال انجام نظام اسلامی سرمایه در ایران رونمایی شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم از زاهدان، محمد باسط درازهی در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه سیستان و بلوچستان میگوید: «در يك سال گذشته در بخش بم پشت سراوان ۲۸ مادر باردار به دلیل نبود خدمات بهداشتی درمانی جان خود را از دست داده‌اند. «مرگ ۲۸ مادر باردار خبری تکان دهنده است. مرگ ۲۸ مادر باردار بر اثر نبود خدمات بهداشتی و درمانی جنایت در حال انجام رژیم اسلامی

دوچرخه سواری زنان و مردان جنبشی گسترده با کاراکترهای نوین!

نسان نودینیان



در میان فعالین جنبش آزادی زنان است. این نسل از فعالین، که مدام در حال گسترش است، در مراسم های روز جهانی زن، در سمینارها و فعالیت‌های متنوع سیاسی و اجتماعی در دفاع از حقوق برابر زنان با مردان در صف مقدم قرار دارند. جنبش ما برای رهایی از قید مذهب و خرافه و نابرابری به این شخصیت‌ها اتکا خواهد کرد.

در دل شرایط جدید، در دل صف بندی های مردم، جوانان زن و مرد مخالف وضع موجود، ما شاهد عروج و ابراز وجود حرکت‌ها و جنبش‌های نوینی هستیم که در عرصه میدانی با بکارگیری ابتکارات قابل توجه و قابل دسترس در اشکال عمومی علیه ستم و نابرابری و تبعیض جنسیتی به میدان آمده‌اند و انواع شبکه‌ها و جمع‌ها و تشکل‌ها را برای تداوم و گسترش فعالیت خود شکل داده‌اند.

گلگشت‌ها، دوچرخه سواری زنان و مردان، تاترهای خیابانی، انجمن‌های محیط زیست، فستیوال‌های روز کودک، انواع گروه‌های موسیقی، چادرهای مهربانی، کتابخوانی توده ای در

دوچرخه سواری زنان به لیست احکام اینها نیز اضافه شده است. اینها احمقانه با پیش کشیدن پاره ای از اراجیف مذهبی علیه حضور زنان دوچرخه سوار و بویژه در حرکت نوین «سه شنبه‌ها بدون خودرو» به مخالفت پرداخته‌اند.

پلیس و قوه قضائیه و دستگاه امنیتی و نیروهای حمایت کننده اراجیف مذهبی، فشار بر جمعیت دوچرخه سوار و بویژه زنان دوچرخه سوار را بیشتر کرده و با دستگیری و تلاش برای جلوگیری از دوچرخه سواری جمعی، مانع تراشی میکنند.

در جبهه مقابل اینها، جوانان دختر و پسر عزم جزم کرده‌اند که دوچرخه سواری جمعی زنان و مردان را گسترش دهند. و به این ترتیب گام مهمی در عرصه فعالیت میدانی علیه تبعیض جنسیتی و خرافات مذهبی و حکومتی و البته خرافات خانواده‌های سنتی و اسلامی برداشته‌اند.

۳۷ سال است که جنبش‌های زن و مدافع حقوق زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی فعال است. یک دستاورد مهم این جنبش عروج شخصیت‌های سیاسی

حرکت نوینی که با «سه شنبه‌ها بدون خودرو» در اراک و با یک اقدام ابتکاری در تلگرام آغاز شد، امروز به کاراکتر جنب و جوش جوانان دختر و پسر در عرصه فعالیت میدانی تبدیل شده است.

در تهران و تعداد دیگری از شهرها دوچرخه سواری و عدم استفاده از خودرو وسیع‌تر از گذشته رو بجلو می‌رود. دوچرخه سواری دسته جمعی زنان و مردان به مراتب وسیع‌تر شده و در تعدادی از شهرها بویژه در مریوان و سنندج حرکت نوینی برای هوای سالم و تفریح سالم را براه انداخته است.

حضور دختران و زنان دوچرخه سوار محور این حرکت است و پیامی دیگر دارد. پیامی علیه بیحقوقی زن، علیه خرافات و مقررات و فرهنگ متحجر اسلامی، علیه حکومت آپارتاید جنسی.

در نظام اسلامی انواع و اقسام احکام و فتواهای شریعه علیه شادی و علیه حضور زنان صادر میشود. صدها امام جمعه و آخوند بیکار و مفتخور با شروع اذان صبح مشغول اعلام دستورات شریعه هستند. موضوع مخالفت با



ازاعتیاد و برای نشاط اجتماعی در کنار دریاچه مصنوعی در کامیاران برگزار شد. دهها نفر از جوانان دختر و پسر در این جشن شرکت کردند. این گردهمایی که با موزیک زنده همراه بود اوقات شاد و پرهیجانی را برای شرکت کنندگان فراهم کرد.

همچنین به مناسبت اولین سالگرد مرگ آیلان، کودک پناهجویی که تن کوچکش در ساحل دریای اژه پیدا شد، روز ۱۲ شهریور در پارک زیرسوار مریوان مراسمی برگزار شد. در این مراسم یاد آیلان و تمامی قربانیانی که برای یک زندگی بدون خطر جنگ و کشتار در میان موج پناهندگان در دریاها و خشکی جان خود را از دست داده‌اند، گرامی داشته شد.*

شهرها، انجمن‌های حمایت از کودکان کار و خیابان، جنبش مادران علیه اعدام، جنبش برای نجات انسانهای محکوم به اعدام و لیست بلند بالایی از ابتکارات اجتماعی و توده‌ای حاصل نزدیک به ۴ دهه جدال روزمره و بیوقفه جامعه ایران علیه حاکمیت رژیم اسلامی است.

اگر امروز دوچرخه سواری زنان و مردان جا افتاده و به دستاوردی میدانی تبدیل شده است، اما این حرکت نوین خود حامل ابتکارات اعتراضی و سمبولیک دیگری است که میتواند در سطح وسیع تکثیر شود و الهام بخش خلاقیت‌ها و ابتکارات اعتراضی وسیع‌تری گردد. از جمله در روز سوم شهریور جشن شادی در راستای پیشگیری

**مرگ بر
جمهوری اسلامی!**

**زنده باد
جمهوری
سوسیالیستی!**



در گرامیداشت جانباختگان

در گرامیداشت جانباختگان تابستان ۶۷ و سالهای ۶۰ تا ۶۳ مراسم ها و میتینگ های متعددی در اروپا و آمریکای شمالی از جمله در تورنتو، کلن و فرانکفورت برگزار شد.



آلمان: فرانکفورت

مراسم سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، روز ۲ سپتامبر به فراخوان حزب کمونیست کارگری و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان میتینگ مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار شد. شرکت کنندگان با دست داشتن عکس ها و پوسترهای اعدام شدگان دهه ۶۰ به همراه آویزان کردن گل روی عکس ها و اسامی آنها بر روی یک دیوار ویژه، شعار دادند، علیه جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن سخنرانی کردند و بیش از سه دهه جنایت و کشتار حکومت را محکوم کردند.



آلمان: کلن

مراسم سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ روز ۳ سپتامبر به فراخوان جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی کلن و واحد حزب کمونیست کارگری در شهر کلن در برابر ساختمان تلویزیون WDR برگزار شد. در یک اقدام سمبولیک مخالفان حکومت مسیری را تا کنار رودخانه راین با دادن شعار به همراه حمل عکس و پوسترهایی از اعدام شدگان راهپیمایی کرده و به یاد این عزیزان دسته گل هایی به رودخانه راین ریختند. در این مراسم سخنرانان مختلفی در مورد قتل عام زندانیان سیاسی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ و تابستان ۶۷ و محکومیت سیاست کشتار و اعدام توسط حکومت صحبت کردند.

کانادا: تورنتو

روز شنبه سوم سپتامبر مراسم سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ به فراخوان کانون خاوران، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی و کمیته حمایت از مادران خاوران برگزار شد. در این مراسم مهدی اصلانی از بازماندگان قتل عام ۶۷ سخنرانی کرد. و برنامه با آوازخوانی شیرین مهرید زندانی سیاسی سابق و خواننده مردمی همراه گروه موسیقی آمریکای لاتین ادامه یافت.



سپس کلیه‌هایی از سحر محمدی که ۴ تن از خانواده اش اعدام شده بودند و از فعالین ایران تریبونال، شیوا محبوبی زندانی سیاسی سابق و مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مرسته قائدی که ۸ سال از عمرش را در زندان رژیم بوده و از شاهدان دادگاه مردمی ایران تریبونال که ۳ تن از اعضای خانواده اش بدست حکومت اعدام شدند و محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری برای حاضرین پخش شد. در ادامه برنامه حسین افصحی هنرمند مردمی نمایش نامه کوتاهی اجرا کرد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

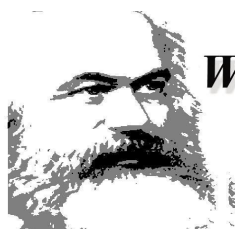
سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

گزیده ای از اخبار و مسائل کارگری

نسان نودینیان



بزرگترین اعتصاب کارگری تاریخ در هندوستان

روز شنبه ۱۳ شهریور پیش از ۱۸۰ میلیون کارگر در هندوستان دست به اعتصاب زدند. کارگران هندوستان علیه قوانین ضد کارگری و ضد انسانی دولت به خیابانها آمدند و بخش وسیعی از راه آهنها و مراکز بازرگانی و ارتباطی هندوستان را مسدود کردند. برینداکارات از اعضای حزب کمونیست این کشور به خبرنگاران گفت: اعتراضات در حالی به وقوع پیوست که دولت و سرمایه داران این کشور پروپاگاندا به راه انداخته اند که سیاستهای نئولیبرالی ۲۵ ساله به نفع مردم هندوستان است، این در صورتی است که همان یک درصد، بیشتر از دو سوم مردم هندوستان از ثروت و سامان این کشور بهره میبرند. اتحادیه راه این کشور شرکت کارگران در این اعتصاب بزرگ را بیش از ۱۸۰ میلیون نفر تخمین زده است.

تغییرات ضدکارگری بیشتر در قانون کار

دولت روحانی در لایحه پیشنهادی خود برای اصلاح قانون کار قصد دارد تا از طریق تغییر متن دو بند موجود و افزودن یک بند و تبصره جدید به ماده ۲۱ قانون کار، شرایط فعلی خاتمه دادن به قراردادهای کار را به نفع کارفرمایان تغییر بدهد. اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه علیه این اقدام ضد کارگری بیانیه هایی منتشر کرده اند.

در بخشی از اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: «لایحه اصلاحیه ای که دولت روحانی به مجلس شورای اسلامی ارجاع کرده است همان لایحه اصلاحیه قانون کار در دولت احمدی نژاد است که با

مقاومت ما کارگران با شکست مواجه شد. حال دولت روحانی در ادامه سیاستهای ضد کارگری خود همان لایحه را در سکوت کامل خبری به مجلس شورای اسلامی برده است. این لایحه بصورت یک شوری به کمیسیون اجتماعی مجلس به عنوان کمیسیون اصلی و تعداد دیگری از کمیسیونهای آن به عنوان کمیسیونهای فرعی ارجاع شده است. مهمترین تغییرات در این لایحه اصلاحیه، مربوط به مواد ۷، ۲۱، ۲۳، ۲۷ و ۴۱ و برخی دیگر از مواد قانون کار می باشد که در صورت تصویب و اجرا شرایط به غایت برده واری را برای طبقه کارگر ایران به همراه خواهد آورد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز در بیانیه خود گفته است: «لایحه اصلاحیه قانون کار توسط دولت بدون رسانه ای کردن آن در تیرماه سال جاری برای تصویب به مجلس فرستاده شده است. لایحه اصلاحیه قانون کار (قانون کارموجود نیز بندیند آن درضدیت بامناف کارگران است) در راستای ارزان سازی بیشتر از پیش نیروی کار، رسمیت بخشیدن به طرح دوران عشیرتی و فئودالی استاد شاگردی و دوتاسه سال کار نیروی جوان مجانی در خدمت کارفرمایان و خارج کردن سازمان تأمین اجتماعی از تعهدات خود نسبت به کارگران و موارد دیگر تدوین شده است.»

اعتصابات و تجمعات کارگری در هفته گذشته:

کارخانه چوکا:

موفقیت بازرگشایی کارخانه و نگرانی از تعطیل مجدد کارخانه

اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایا، اخراج و بیکارسازی در مراکز کارگری عرصه وسیع اعتراض و تجمعات کارگران در هفته گذشته بود. اعتراض طولانی مدت کارگران چوکا، کارفرما و مدیریت را مجبور به بازگشایی کارخانه کرد و کارگران به این مناسبت به پخش شیرینی موفقیت خود را جشن گرفتند. تجمعات اعتراضی کارگران چوکا از سال ۹۴ علیه پرداخت نکردن حقوقها شروع شد. هفته گذشته بخشی از حقوق های پرداخت نشده این کارگران نیز پرداخت شد.

در حالی که هنوز بیشتر از دو هفته از ابراز شادمانی کارگران کارخانه ایران چوکا به دلیل راه اندازی مجدد نگذشته بود، در ۱۵ شهریور تعدادی از کارگران در اعتراض به عملکرد مدیریت کنونی تجمع کردند. نگرانی از تعطیلی مجدد کارخانه چوکا دلیل تجمع اعتراضی کارگران بوده است. کارگران حاضر در تجمع اعتراضی میگویند: مدیریت فعلی از یک سال قبل از تعطیلی موقت

کارخانه مستقر بوده است و در مدت این دو سال طوری عمل کرده که همه ما به مرور شاهد تنزل راندمان تولید و در نهایت توقف یک ساله فعالیت کارخانه و سرگردانی خود بودیم. و از این نگرانی میباید بازمه رویه منجر به تعطیلی کارخانه ایران چوکا از سر گرفته شود، از سهامدار اصلی کارخانه خواستند تا به هر ترتیب مدیریت این واحد صنعتی را ملزم به حفظ تولید و اشتغال بکند.

بازنشستگان پیش از موعد:

روز ۱۴ شهریور نزدیک به ۵۰۰ نفر از بازنشستگان پیش از موعد دستگاههای دولتی از شرکت های مختلف دولتی مانند هلال احمر، مخابرات، بنیاد شهید و چند شرکت دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق هایشان دست به تجمع در مقابل وزارت کار زدند. بازنشستگان میگویند: «در سال های ۸۹ تا ۹۱ اعلام شد کسانی که بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دارند می توانند بازنشسته پیش از موعد شوند، بر این اساس دستگاههای دولتی که ما در آنها مشغول به کار بودیم حق بیمه ما را به طور کامل و به میزان ۳۰ سال پرداخت کرده اند اما در هنگام بازنشستگی فقط حقوق ۲۵ سال از خدمت ما را پرداخت می کنند.»

نیشکر هفت تپه:

هفته گذشته کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای دومین بار در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. حقوق ماههای تیر و مرداد ۱۲۰۰ کارگر رسمی کارخانه هنوز پرداخت نشده و هزار کارگر روزمزد کارخانه ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند و کارفرما ۵ ماه حق بیمه آنها را به تامین اجتماعی نپرداخته و از

بستن قرارداد کاری برای این کارگران خودداری می کند.

در ۱۰ شهریور راهپیمایی و تجمعات اعتراضی کارگران بیکار شده کارخانه قند فسا در اعتراض به تعطیلی و فروش این کارخانه، دست به تجمعات اعتراضی مقابل کارخانه و فرمانداری زدند.

در ۹ شهریور تجمع اعتراضی کارگران شرکت سرمایه گذاری مدوار در مقابل دفتر سرمایه گذاری در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق هایشان برگزار شد.

دانشجویان تربیت مدرس:

روز ۱۶ شهریور برای سومین روز پیاپی، اعتراض دانشجویان تربیت مدرس با مسدود کردن درب شمالی دانشگاه در اعتراض به افزایش غیرمعارف شهریه ها ادامه پیدا کرد. دانشجویان معترض که شهریه آن ها بیش از ۱۵ درصد اعلام شده و دوباره افزایش یافته است اعتراض داشتند.

کارگران کشت و صنعت

مهآباد: سفرهای ما خالی از نان است

حقوقهای ۲۰۰ نفر از کارگران کشت و صنعت مهآباد پرداخت نشده. دو بیست نفر از کارگران شاغل در شرکتهای چهارگانه سبز مهآباد شامل کشت و صنعت مهآباد، مجتمع دامداری و صنعتی مهآباد، مجتمع هما مرغ مهآباد و سردخانه زمزم مهآباد تا ۱۴ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. به گفته کارگران در این ۱۴ ماه فقط مبالغی به عنوان علی الحساب به آنها پرداخت شده ولی بخش اعظم مطالبات مزدی آنها پرداخت نشده

صفحه ۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: سوسن صابری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود